

خرید اقساطی؛ از انتخاب تا اجبار اقتصادی

در شرایط تورم و کاهش قدرت خرید، خرید اقساطی دیگر تنها یک انتخاب نیست، این شیوه خرید در واقع به یک راه‌حل ضروری برای تأمین نیازهای روزمره مردم تبدیل شده است



در گذر زمان، خرید اقساطی تنها به کالاهایی همچون لوازم خانگی و خودرو محدود بود، اما امروز این روش خرید به الگویی جدید و فراگیر تبدیل شده که تمامی اقلام مصرفی، از کوچک‌ترین نیازهای روزمره تا کالاهای لوکس و ضروری را در بر می‌گیرد. در دنیای امروز، جایی که فشارهای اقتصادی و تورم بی‌وقفه در حال افزایش است، خرید اقساطی دیگر تنها یک انتخاب نیست، بلکه به یک ضرورت اقتصادی تبدیل شده است. افراد به‌ویژه در شرایطی که قدرت خریدشان به‌شدت کاهش یافته، ترجیح می‌دهند برای تأمین نیازهای خود، از نرم‌افزارها و سکوهایی آنلاین بهره‌برند تا اقلام مورد نیاز خود را به‌صورت اقساطی تهیه کنند.

این شیوه خرید که شعار «امروز بخر و چند ماه بعد پرداخت کن» را به بخشی از زندگی روزمره مردم بدل کرده، نشانگر تغییری عمیق در سبک زندگی است. افزایش بی‌رویه قیمت‌ها و فشار تورم، تنها بخشی از دلایل این تغییرات هستند. در واقع، این روند نمادی از واقعیت تلخ امروز جامعه ایران است: کمتر کسی را می‌توان یافت که به‌راحتی از این الگوی خرید غافل باشد. خرید اقساطی دیگر صرفاً راهی برای به تعویق انداختن پرداخت‌ها نیست، بلکه تبدیل به یک استراتژی ضروری برای مدیریت بحران‌های اقتصادی فردی و جمعی شده است.

مصرف‌گرایی یا اجبار اقتصادی؟

بر اساس آخرین گزارش منتشرشده توسط مرکز آمار، تورم دوازده ماهه منتهی به آذرماه ۱۴۰۴ به ۴۲٫۲ درصد رسیده است. همچنین، تورم نقطه به نقطه آذرماه به ۵۲٫۶ درصد افزایش یافته که نسبت به تورم آبان ماه، ۳٫۲ واحد درصد بیشتر شده است. این آمار به‌طور طبیعی گواهی است بر این موضوع که مردم ایران برای تأمین اقلام ضروری خود، به‌طور فزاینده‌ای به خرید اقساطی روی آورده‌اند. خرید قسطی که زمانی تنها در خرید لوازم خانگی و خودرو محدود بود، حالا به شیوه‌ای رایج برای تأمین هر نوع کالای مصرفی، از پوشاک و لوازم آرایشی گرفته تا مواد غذایی و حتی خدمات روزمره تبدیل شده است.

اگرچه در نگاه اول، خرید اقساطی به‌عنوان یک راه‌حل موقت و مفید برای عبور از فشارهای اقتصادی

به نظر می‌رسد، اما در لایه‌های عمیق‌تر، این پدیده به نشانه‌ای نگران‌کننده از تغییر در الگوهای معیشت، مصرف و بدهی در جامعه تبدیل شده است. برای بسیاری از خانواده‌ها، خرید اقساطی دیگر یک انتخاب اختیاری نیست؛ بلکه به یک اجبار تبدیل شده است. با افزایش بی‌وقفه قیمت‌ها و کاهش قدرت خرید، این شیوه خرید نه فقط در خصوص کالاهای لوکس بلکه حتی در تأمین نیازهای اولیه زندگی به کار می‌رود. نان، برنج، روغن، لباس مدرسه برای کودکان و حتی برخی خدمات درمانی، دیگر الزاماً با پول نقد خریداری نمی‌شوند. این تغییرات در شیوه خرید، به‌ویژه در میان طبقات متوسط و پایین جامعه، نمایانگر یک بحران جدی در قدرت خرید و معیشت مردم است.

در شرایط عادی اقتصادی، ممکن بود گسترش خرید اقساطی را ناشی از تبلیغات گسترده و فرهنگ مصرف‌گرایی بدانیم، اما در حال حاضر، در پی افزایش شدید نرخ تورم و کاهش دستمزدها، کمترین درصد از این الگو به مصرف‌گرایی اختصاص دارد. در واقع، بیشتر خریدها به‌طور مستقیم از سر نیاز و اجبار صورت می‌گیرند. فشارهای اقتصادی به گونه‌ای است که مردم ناچارند حتی برای تأمین کالاهای روزمره زندگی، به روش‌های پرداخت اقساطی روی آورند.

در این شرایط دشوار، پلتفرم‌های دیجیتال و اپلیکیشن‌های خرید اقساطی، به ابزاری کارآمد برای تسهیل زندگی تبدیل شده‌اند. کافی است یک اپلیکیشن نصب شود، چند مرحله احراز هویت انجام گیرد و کاربر به‌اصطلاح «اعتبار» دریافت کند؛ اعتباری که قرار است جای پول نقد را پر کند. این سیستم که در ظاهر فرایندی ساده و راحت به نظر می‌رسد، عملاً در دل خود مشکلات و چالش‌های بسیاری را به همراه دارد. اگرچه خرید قسطی در کوتاه‌مدت می‌تواند به تسهیل تأمین نیازهای اولیه کمک کند، اما در بلندمدت، می‌تواند به یک معضل جدی تبدیل شود. در صورتی که فرد نتواند اقساط خود را به موقع پرداخت کند، به‌طور معمول با مشکلات قضایی مواجه می‌شود. سیستم‌های دیجیتال به سرعت تعهدات قانونی و مالی خود را با استفاده از ابزارهای قضایی به اجرا درمی‌آورند و در صورت عدم پرداخت، فرد با مشکلات جدی حقوقی روبه‌رو خواهد شد.

در نتیجه، آنچه که به‌نظر می‌رسد یک روش ساده و مفید برای مواجهه با بحران‌های اقتصادی است، می‌تواند به‌تدریج به یک بحران بلندمدت برای خانواده‌ها تبدیل شود. در شرایطی که مردم مجبورند نیازهای اولیه زندگی خود را به‌صورت اقساطی تأمین کنند، هرگونه اختلال در توانایی پرداخت اقساط می‌تواند عواقب اقتصادی و اجتماعی جدی داشته باشد. علاوه بر این، از آنجا که این شیوه به‌طور گسترده در میان طبقات متوسط و پایین جامعه رواج یافته، می‌توان پیش‌بینی کرد که در آینده‌ای نه‌چندان دور، مشکلات ناشی از انباشت بدهی‌های خرد، به یکی از دغدغه‌های اصلی اقتصاد ایران تبدیل خواهد شد.

به همین دلیل، لازم است در مواجهه با این پدیده، علاوه بر نظارت‌های قانونی، آموزش‌های مالی برای عموم مردم فراهم شود تا از تکرار این مشکلات جلوگیری شود. در غیر این صورت، نه‌تنها مشکل بدهی‌های خرد بلکه بحران‌های اجتماعی و روانی ناشی از آن به معضلی بزرگ‌تر تبدیل خواهد شد.

چرا باید نگران بود؟

تصور کنید موعد سررسید اقساط در سکوهایی دیجیتال فرا رسیده و فرد در شرایطی است که قادر به پرداخت اقساط نیست. این احتمال بسیار بالاست که دلیل این عدم توانایی در پرداخت، شرایط اقتصادی موجود باشد. فرد ممکن است به دلیل عدم دریافت حقوق یا دستمزد در موعد مقرر، نتواند اقساط خود را تسویه کند. در چنین شرایطی، موضوع به سادگی با یک تماس یا حتی پرداخت جریمه‌ای مختصر به پایان نمی‌رسد. طبق توافقاتی که افراد هنگام دریافت اعتبار از این پلتفرم‌ها امضا می‌کنند، در صورت عدم پرداخت، پیامدهای قانونی شدیدی‌تری در انتظار آن‌ها خواهد بود.

یکی از مهم‌ترین عواقب عدم پرداخت اقساط، دریافت اظهارنامه‌ای از سوی قوه قضائیه است. این اظهارنامه به فرد اعلام می‌کند که باید ظرف مدت حداکثر سه روز از تاریخ ابلاغ، مبلغ بدهی خود را پرداخت کند، در غیر این صورت، تمامی ضمانت‌های اجرایی و قانونی به اجرا درخواهند آمد. علاوه بر اصل مبلغ اعتبار، فرد ملزم به پرداخت خسارت تأخیر تادیه، هزینه‌های دادرسی، حق الوکاله وکیل و دیگر هزینه‌های مرتبط

خواهد شد. این روند می‌تواند مشکلات حقوقی و مالی قابل توجهی برای فرد ایجاد کند که در نهایت به بحران‌های اقتصادی و اجتماعی منجر می‌شود. در شرایط کنونی، بسیاری از افراد ممکن است از جنبه‌های حقوقی این روند بی‌خبر باشند و با پیگیری‌های قانونی مواجه شوند که از آن‌ها اطلاعی نداشته‌اند. به عبارتی، نرم‌افزارها و سکوهایی دیجیتال که به سرعت در میان مردم محبوب شده‌اند، متأسفانه اطلاعات کافی در مورد عواقب سوءاستفاده از این سیستم‌ها به کاربران نمی‌دهند. در حقیقت، بسیاری از مردم در این فضای اقتصادی فریب تبلیغات و وعده‌های ساده را خورده و به دام این پلتفرم‌ها می‌افتند؛ بی‌آنکه از عواقب بلندمدت آن آگاه باشند. این سیستم‌ها به‌ویژه در شرایطی که تورم بی‌وقفه افزایش می‌یابد و درآمدها کفاف هزینه‌های روزمره را نمی‌دهد، به‌عنوان ابزاری برای تسهیل خرید کالاها ظاهر می‌شوند. اما واقعیت این است که در چنین شرایطی، این شیوه‌ها بیشتر از آنکه راه‌حلی برای سهولت زندگی باشند، به یک چالش بزرگ تبدیل می‌شوند. مردم نه به‌عنوان انتخابی داوطلبانه، بلکه از سر اجبار و نیاز به این ابزارها روی می‌آورند. در این فضا، افراد بیشتر تحت تأثیر تبلیغات و وعده‌های دست‌نیافتنی قرار می‌گیرند تا در واقع از مشکلات آینده خود آگاه شوند.

پیامدهای بلندمدت خرید اقساطی

مهم‌ترین عامل اصلی محبوبیت سکوهایی دیجیتال، فشار اقتصادی است، زیرا به دلیل تورم مزمن درآمد ماهانه پیش از نیمه ماه تمام می‌شود، هر ابزاری که امکان تعویق پرداخت را فراهم کند، جذاب خواهد بود. خرید قسطی برای بسیاری از خانوارها، راهی برای «زنده ماندن تا آخر ماه» است؛ نه افزایش رفاه. این در حالی است در مدل‌های خارجی این شیوه عمدتاً گامی برای دستیابی به رفاه بیشتر است. در این مسیر وقتی سرپرست خانوار می‌تواند با خرید قسطی از شرمساری خود در مقابل خانواده‌ها جلوگیری کند، به‌طور حتم خرید قسطی برای مصرف‌کننده بازی برد است. از سویی امکان فروش اقساطی این فرصت را به فروشندگان و تولیدکننده می‌دهد که در فضای اقتصادی کنونی، کالای خود را بفروشند و نگرانی برای عدم فروش نداشته باشد. همچنین در این مسیر پلتفرم نیز کارمزدش را دریافت می‌کند. اما واقعیت، پیچیده‌تر از این تصویر ساده است. پلتفرم‌ها معمولاً بیشترین سود را می‌برند. آن‌ها از فروشندگان کارمزد می‌گیرند، گاهی از مصرف‌کننده جریمه دیرکرد دریافت می‌کنند و با داده‌های رفتاری کاربران، ارزش افزوده جدیدی می‌سازند. هرچه مصرف‌کننده بیشتر خرج کند و اقساط بیشتری بگیرد، گردش مالی پلتفرم بالاتر می‌رود و فروشندگان در کوتاه‌مدت منتفع می‌شوند. فروش بالا می‌رود، انبار خالی می‌شود و مشتری بیشتری جذب می‌شود. اما در بلندمدت، وابستگی به فروش قسطی می‌تواند حاشیه سود را کاهش دهد و فروشندگان را به سیاست‌های پلتفرم‌ها وابسته کند. در این میان، آنچه از اهمیت بالایی برخوردار است، مصرف‌کننده است. برخی کارشناسان اقتصادی این شیوه را برای مصرف‌کننده به عنوان «بدهی خرد» تعبیر می‌کنند. بدهی‌های خرد در مرحله اول شاید زندگی افراد را تحت تأثیر قرار ندهند اما تجمیع این اقساط و افتادن در سیکل خرید اقساطی مسیر زندگی افراد را می‌تواند به قهقرا ببرد. همانگونه که در ابتدای این گزارش بر ضرورت اطلاع‌رسانی از این نوع خریدها اشاره شد مجدداً تأکید بر این است که در صورت نبود آموزش مالی و شفافیت کافی، مصرف‌کننده ممکن است تصور کند «فعلاً پولی نداده»، در حالی که بدهی آینده‌اش هر روز بزرگ‌تر می‌شود. این وضعیت، به‌ویژه برای دهک‌های پایین درآمدی، می‌تواند خطرناک باشد.

قسطی شدن نیازهای اولیه تنها یک مسأله اقتصادی نیست؛ بلکه پیامدهای اجتماعی و روانی جدی به همراه دارد. احساس ناامنی مالی، اضطراب دائم و ترس از جریمه یا قطع اعتبار، بخشی از تجربه روزمره کاربران این سکوهاست. این مدل خرید همچنین می‌تواند حس نابرابری را تشدید کرده و گروه‌های محروم‌تر را از چرخه مصرف خارج کند. اگرچه خرید قسطی در شرایط بحران اقتصادی ممکن است به‌عنوان راه‌حلی موقت برای معیشت عمل کند، اما این مدل پایدار نبوده و احتمالاً به بحران‌های اجتماعی عمیق‌تری منجر خواهد شد، به‌ویژه اگر نظارت و آموزش‌های مالی کافی وجود نداشته باشد.

اقتصاد



یادداشت
O P I N I O N



مهرزاد آگاهی

کارشناس حقوقی

خرید اقساطی و شکایت قضایی

گسترش خدمات خرید اقساطی آنلاین در شرایط اقتصادی دشوار ایران، اگرچه به ظاهر تسهیل‌گر معیشت خانوارها، به‌ویژه در زمان تورم بالا است، اما بر خورد‌های حقوقی سریع و سختگیرانه سکوهایی مالی اینترنتی با اقساط معوق، پیامدهای اجتماعی و قضایی نگران‌کننده‌ای را به همراه داشته است. در حال حاضر، با افزایش قابل توجه قیمت‌ها و کاهش قدرت خرید خانوارها، رقابت تنگاتنگی بین سکوهایی مختلف اینترنتی برای ارائه خدمات خرید اقساطی به کاربران وجود دارد. این خدمات که در قالب وام‌های خرد با نرخ کارمزد پایین ارائه می‌شوند، به‌منظور تأمین نیازمندی‌های ضروری و گران‌شده‌ای است که از دسترس بسیاری از اقشار جامعه خارج شده است. این پلتفرم‌ها از خرید بیمه گرفته تا کالاهای مصرفی مانند پوشاک و حتی مواد غذایی را در قالب اقساطی در اختیار مشتریان قرار می‌دهند. اگرچه در نگاه اول این خدمات به‌عنوان یک راه‌حل مثبت برای تحریک قدرت خرید مردم به نظر می‌رسند، اما واقعیت آنچنان که ظاهراً نشان می‌دهد، چندان ارزان نیستند. مشکل اصلی در اینجا این است که به محض تأخیر در پرداخت یک یا دو قسط، فرایند قانونی علیه مصرف‌کننده به سرعت آغاز می‌شود. در شرایطی که هدف از ارائه وام‌های خرد تسهیل خرید کالاهای ضروری و ضروری است، برخورد‌های حقوقی سخت و فوری با اقساط معوق، به‌ویژه در میان اقشار آسیب‌پذیر، کاملاً در تضاد با فلسفه خدمات مالی خرد است. بسیاری از مشتریان پلتفرم‌های مالی اینترنتی گزارش می‌دهند که پس از تأخیر در پرداخت حتی یک قسط، از سوی پلتفرم پیامک‌های شکیبایی دریافت کرده‌اند و پرونده‌هایشان به سرعت به دادگاه ارجاع شده است.

از نظر حقوقی، دریافت‌کنندگان وام‌های خرد که شرایط سکوی ارائه‌دهنده را پذیرفته‌اند، موظف به پرداخت اقساط در موعد مقرر هستند. در این راستا، برخورد‌های قانونی سکوها برای حفظ منابع مالی و تداوم خدمات از نظر قانونی به‌عنوان یک اقدام قابل قبول دیده می‌شود. با این حال، نکته اصلی نگرانی از بعد اجتماعی و اخلاقی این روند است. در شرایطی که تورم افسارگسیخته بر زندگی مردم تأثیر گذاشته و بسیاری از آن‌ها درگیر مشکلات اقتصادی شدید هستند، ارجاع سریع پرونده‌های اقساط معوق به دادگاه، فشار مضاعفی به افراد وارد می‌کند که در برخی موارد ممکن است به آسیب‌های روانی و اجتماعی منجر شود.

با توجه به حجم بالای پرونده‌های قضایی و مشکلات ساختاری دستگاه قضایی، این پرسش مطرح می‌شود که چگونه پرونده‌های اقساط معوق با این شتاب وارد دادرسی می‌شوند. این روند بار مضاعفی بر دوش دستگاه قضایی می‌گذارد که خود با کمبود منابع مواجه است. برخی پلتفرم‌های ایرانی که الگوبرداری از نمونه‌های خارجی کرده‌اند، بدون توجه به واقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی ایران مشکلات جدیدی ایجاد کرده‌اند. در حالی که مردم تجربه جریمه دیرکرد وام‌های بانکی را داشته‌اند، ارجاع به دادگاه برای اقساط معوق چندصد هزار تومانی برای آنان شوک‌آور است.